

تقریب مذاهب اسلامی در اندیشه آیت الله محسنی^(ره)

سید محمد عیسی جوادی غزنوی *

چکیده

نوشته‌ی حاضر با عنوان «تقریب مذاهب اسلامی در اندیشه آیت الله محسنی^(ره)» تلاش دارد با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ دهد: «مبانی و راه کارهای تحقق تقریب مذاهب اسلامی در اندیشه آیت الله محسنی کدامند؟». تقریب مذاهب اسلامی، رویکردی است مبتنی بر تعامل میان مذاهب اسلامی، با تکیه بر مشترکات دینی، در عین پایبندی به مبانی مذهبی به منظور همزیستی مسالمت آمیز و احترام به دیدگاه‌های همدیگر. جلوگیری از حمله به مقدسات یکدیگر، شک زدایی و اطمینان بخشی به همدیگر و شکستن حصر مذاهب از جمله راه کارهای علمی و التزام‌های عملی تقریب مذاهب اسلامی به شمار می‌روند که برای عملیاتی شدن نیازمند مکانیزم‌های اجرایی چون مبارزه در برابر ناسیونالیسم و قوم‌گرایی از سویی و ایجاد حکومت واحد جهانی اسلامی و تأسیس جماهیر متحد اسلامی از سوی دیگر است.

کلیدواژگان: تقریب مذاهب، وحدت اسلامی، اخوت دینی، اسلامیت، شیعه، سنی، آیت الله

محسنی^(ره)

مقدمه

مذاهب اسلامی از جهات متعدد اشتراکات فراوانی دارند. همه‌ی مذاهب اسلامی ریشه در دین مبارک اسلام دارند. کتاب و سنت و عقل و اجماع منابع مشترک تمام مذاهب اسلامی به شمار می‌روند. عقلانیت و شریعت به مثابه‌ی مبانی مذاهب اسلامی و اجتهاد نیز به مثابه‌ی روش قابل قبول همه مذاهب شمرده می‌شوند.

مذاهب و شرایع، فلسفه، مقاصد و اغراض واحدی دارند. هدف اصلی مذاهب اسلامی به ترتیب اهمیت و اعتبار عبارتند از: حفظ دین، نفس، عقل، ناموس و مال تمام مسلمانان. با وجود این همه و بسیاری از مشترکات دیگر، پرسش اساسی این است که آیا جایی برای مفترقات و مفتریات برای مسلمین باقی می‌ماند؟ این جا است که سخن از تقریب مذاهب به یک پروژه اساسی برای پژوهش‌گران اسلامی تبدیل شده و این پرسش ذهن محقق اسلامی را دغدغه مند می‌کند که با وجود این همه مشترکات، چرا همواره تقریب مذاهب در عمل به آرمان و تقریباً به یک امر محال تبدیل شده است؟ اکنون پرسش این است که راه علاج اختلافات و کشمکش‌های مذهبی و مکانیزم‌های عبور از اتفاقات ناگوار و نامیمون نظری و عملی در جوامع اسلامی و به خصوص در جامعه چندمذهبی و چندفرهنگی افغانستان کدامند؟ فقیه فرزانه، آیت‌الله محسنی رحمته‌الله علیه، به عنوان شخصیت پیشگام تقریب در سطح نظر و عمل، چه راه علاجی را برای این مسئله پیشنهاد داده است؟

نوشته‌ی حاضر تلاش دارد با روش تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به پرسش‌های فوق‌الذکر پاسخ درخور ارائه کند؛ پرسش‌هایی که به دلیل شرایط حاکم بر منطقه و به خصوص افغانستان، ذهن تک‌تک انسان‌های آگاه را به خود مشغول داشته و پاسخ فوری و عالمانه می‌طلبند. همین امر از ضرورت و اهمیت دوچندان پرداختن به این مسئله حکایت دارد. تا آن جا که نگارنده دسترسی داشته است، به تحقیق مستقلی در این باب دست نیافته است و همین امر را می‌توان دلیل نوآورانه بودن نوشته‌ی حاضر به شمار آورد.

فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که در برابر این معضل می‌توان راه‌حل‌های زیر را در نظر گرفت: (۱) ادغام مذاهب؛ ۲) انحلال مذاهب؛ ۳) اتهام مذاهب؛ ۴) افتراق مذاهب؛ ۵) تکاثر مذاهب؛ ۶) تکثر مذاهب و سرانجام (۷) تعامل مذاهب. عالم عامل و نواندیش معاصر، حضرت

آیت‌الله محسنی رحمته‌الله علیه، رأی و نظریه توافقی، تعاطی، تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تمامی ادیان و مذاهب داده و با اعتقاد به تقویت و تعقیب مشترکات، سخن از تقریب مذاهب اسلامی به میان آورده است. او در نظر و عمل «گفت‌وگورا از ارکان اعظم دین» دانسته و نزاع شیعه و سنی را «جنگ در تاریکی» می‌داند. از آن جا که همه مسلمانان در کتاب شریف قرآن «امت واحد» دانسته شده‌اند، او همه مسلمانان را «مؤمن» می‌خواند و معتقد است که باب گفت‌وگو در میان مسلمانان باید همواره باز بوده و بلکه یگانه مکانیزم حل مسائل مسلمین در نظر گرفته شود. در ادامه برآنیم تا با تفصل به نقض و ابرام فرضیه فوق پردازیم. چگونگی پاسخ به پرسش‌های فوق ملاک و معیار داوری علمی درباره نوشته حاضر و میزان اعتبار آن خواهد بود.

وضعیت نابسامان جهان اسلام؛ مشکلات و راه‌حل‌ها

وضعیت امروز جهان اسلام به راستی رنج‌آور، تکان‌دهنده، شکننده، نگران‌کننده، دل‌خراش و تأسف‌انگیز است. قتل و غارت، جهل و عصبیت و بدبینی و بی‌اعتمادی در بین مسلمانان بیداد می‌کند. طوفان جنگ و چپاول و کشتار، بنیان و بنیاد کشورهای اسلامی را از بیخ و بن برکنده و به برهوت بی‌سرنوشتی به ناکجاآبادها پرتاب کرده است. زیست جهان اسلامی امروز مصداق بارز این ضرب‌المثل است که «ما باد کاشتیم و طوفان درو می‌کنیم». به قول آیت‌الله محسنی رحمته‌الله علیه: «وضع امروزی ما واقعاً اسفناک و حتی گریه‌آور است.» «جهل و جهالت و سوء تفاهم و ناآگاهی مسلمانان، تعصب و نژادگرایی، ریاست‌طلبی‌ها و خودخواهی‌ها، استعمار و عوامل اجنبی و خارجی، فردگرایی و سودگرایی افسارگیسخته» را می‌توان از عوامل اصلی چنین اوضاعی به شمار آورد.

در این اوضاع اسف‌بار، اکنون پرسش اساسی این است که «چه باید کرد؟» وقتی این سؤال را از پیش‌تاز و پرچم‌دار تقریب مذاهب و منادی صلح و وحدت مسلمین، آیت‌الله محسنی رحمته‌الله علیه، پرسیدند، در جواب گفت: «عجب است که قرآن مجید از اخوت و برادری مؤمنین صحبت می‌کند: اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ (حجرات / ۱۰) و ما هنوز درباره‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گیر مانده ایم.» (محسنی، ۱۳۷۵ ج: ص ۲۴).

در منطق و بیان و باور آیت‌الله محسنی که برخوردهای شیعه و سنی را «جنگ در تاریکی» می‌داند، نه جنگ راه‌حل است، نه حذف و نابودی فیزیکی افراد، نه محو مذاهب و عقیده و

اندیشه، نه سنی ساختن شیعه و نه شیعه ساختن سنی، نه ادغام مذاهب، نه دست کشیدن از مذهب، نه انکار اختلاف، نه تکفیر و تفسیق مخالفین، نه دست کشیدن از اصول، نه تهمت و افترا و بدنام کردن عقیده و صاحب عقیده، نه دامن زدن به اختلافات و افتراقات، نه قطع رابطه و بستن مرزها و روابط دوستانه با یکدیگر و نه در هیچ چیز دیگری از این قبیل (ر.ک: محسنی، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱).

«راه حل اساسی و اصولی در آگاهی دادن مسلمانان، رفع تعصب و عصبیت های مذهبی و نژادی، گردآمدن بر محور و حول مصالح و منافع امت اسلامی و حفظ اصل اسلام به جای اصالت دادن به فرع است.» (همان). در جایی دیگر می فرماید: «ما از چند جهت اتحاد سنی و شیعه را ضروری می دانیم: اولاً، از نظر دین اسلام که پیروان خود را از نزاع و عداوت و تفرقه نهی می کند و مؤمنین را برادر هم می داند و امر به اصلاح آنان می دهد: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ* (حجرات / ۱۰). ثانیاً، کشمکش بین مسلمانان سبب تقویه ی کفار و ضعف اسلام می گردد؛ و همه می دانیم که تضعیف اسلام حرام است و خیانت به قرآن و اسلام محسوب می شود. ثالثاً، جنگ و نزاع مانع پیشرفت می شود.» (محسنی، ۱۳۷۱ ب: ص ۱۵۹).

روی نیازها و ضرورت های فوق است که «همکاری و گفت و گوهای مثبت با تمام مذاهب اسلامی در شرایط امروزی واجب است. چه به عنوان حکم اولی و چه به عنوان [حکم] ثانوی. اگر امور به جای تفاهم و برادری به سوی خشونت برود، ضرر بیش تر است.» (محسنی، ۱۳۸۶ الف: صص ۱۹، ۲۶ و ۷۴).

شیعیان برای این «کار مقدس» (رفع بدبینی های موهوم و موهون) و تقریب و همکاری خود، مبنای فکری و سابقه و مستند تاریخی از امامان معصوم علیهم السلام خود نیز دارند. همکاری امامان معصوم شیعه با خلفای وقت و به خصوص همکاری های نزدیک و خیراندیشانه امام علی با خلفا حکایت از همکاری های نزدیک او با آنان دارد. اختلاف باعث نشده است که علی با آن ها همکاری نکند. تقریباً در دوران خلفا علی قاضی بوده است، نه قاضی رسمی. در جنگ ها مورد مشورت خلفا قرار می گرفت. برای قضایای اسلامی علی با آن ها رفت و آمد داشت. به سؤال های علمی شان پاسخ نیک اندیشانه می داد (همان).

اگر بخواهیم مطالب و تحلیل فوق را برهانی و منطقی بسازیم، قضیه به شکل ذیل درمی آید و نتیجه ی مطلوب خواهد داد: «ترویج و حفظ دین واجب است. مقدمه واجب (تفاهم و

همکاری) هم واجب است. در نتیجه همکاری با مذاهب دیگر هم واجب است. تضعیف اسلام به هر نامی که باشد، از محرمات کبیره است و شیطان نباید مسلمانان را فریب دهد. مذهب یک شاخه است و دین اصل است.» (همان، صص ۴۸، ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳).

در همین مقطع و مورد است که آیت‌الله دو تا نکته‌ی مهم و اساسی را گویا به فریقین شیعه و سنی و یا در واقع به همه‌ی آدم‌های عاقل و خردمند، به حیث یک قانون کلی زندگی و فرمول در صحنه‌ها و میدان‌های بازی، گوشزد می‌کند:

یک. متعصبان می‌گویند شیعه کافر است و با آن‌ها هیچ مذاکره‌ای نمی‌توانیم بکنیم، چرا؟ می‌گویند شما تقیه می‌کنید. تقیه مسئله‌ی فرعی است. من با تو در مسائل اعتقادی صحبت می‌کنم. تقیه‌ی ما درست باشد یا غلط، مسئله‌ی فرعی است. تو با مسئله‌ی فرعی چه کار داری؟

دو. خود مرحوم مجلسی روایت می‌کند که بیان اسرار ائمه جایز نیست و این کار حرام است (همان، صص ۸۰ و ۱۰۴).

تعریف تقریب، امکان و واقعیت

درآشفته‌بازار و فضای پرغوغای تقریب‌خواهی‌ها و وحدت‌طلبی‌های جهان اسلام و مسلمانان، نخستین چیزی که لازم و ضروری به نظر می‌رسد، ارائه‌ی یک چارچوب و تعریف مشخص و قابل قبول از مفهوم «تقریب» است تا خود به «تخریب» تبدیل نشود و تقریب و گفت‌وگو پیرامون آن چارچوب مشخص داشته باشد. فقیه مورد نظر با درک این حساسیت و ضرورت، از تقریب این چنین تعریفی ارائه می‌دهد: «تقریب، یعنی همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی که بسیار زیاد است؛ و معذور دانستن همدیگر در اختلافات، روی اصل: للمصیب اجران و للمخطیء اجر و احد؛ و برادری و دوستی روی اصل ائمة المؤمنون اخوة (حجرات / ۱۰)، در زندگانی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و بالاخره مورد چهارم، عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی سایر مذاهب اسلامی.» (همان، صص ۱۰۳ و ۱۰۷).

نکته‌ی بارز و جالبی که در تعریف فوق به چشم می‌خورد و بسیار محسوس و قابل لمس است، این‌که تقریب از این منظر فراتر از حد و مرز مصالح سیاسی هست و در قد و قواره‌ی انسان مدنی و عاقل برای زیست انسانی و عقلانی تعالی می‌یابد؛ آخر ما انسانیم و «خوش داریم

که در جای آرام و مسالمت آمیز به عنوان یک انسان زندگی کنیم.» (همان).
دیگر این که ما دین داریم و «به عنوان یک متدین هم دلمان می خواهد که با سنی ها مراد و دوستی کنیم که دین اسلام محفوظ بماند. مذهب یک شاخه است و دین اصل است.» (همان، ص ۱۰۳).

از این رو، «دوستی بین پیروان مذاهب اسلامی و سپس همکاری مخلصانه‌ی آنان، به وسیله‌ی شعارها و تبادل کلمات ادبی، به طور اساسی صورت نخواهد گرفت؛ بلکه لازم است همدیگر را به طور اصولی بشناسند و عقاید و آرای همدیگر را به طور صحیح دریابند تا قناعت قلبی شان به مشترکات دینی و اسلامی بین هردو برادر مسلمان حاصل گردد و بدانند که مسائل مورد اختلاف آنان فرعی و ناچیز است. به عبارت دیگر، نزدیکی پیروان مذاهب اسلامی از راه‌های عاطفی و اخلاقی، محدود و موقتی خواهد بود؛ و لذا باید آن را از راه‌های معقول و منطقی به دست آورد که پایداری و عمومیت داشته باشند.» (محسنی، ۱۳۸۱: ص ۲).

تحلیل فوق از سوی منادی وحدت و پرچم دار تقریب، آیت الله محسنی، به خوبی نشان می دهد که ایشان مبنایی روی تحکیم وحدت می اندیشند و نه سطحی و قشری؛ و این اتحاد مبنایی از نظر ایشان امکان دارد و محال نیست؛ «زیرا اختلافات، عمیق و مبنایی نیست؛ بلکه قشری و ساختگی است و امروزه آنچه فضای نورانی شیعه و سنی را گاهی تاریک کرده، از مذاهب اهل سنت و اهل تشیع نبوده، اینان در اصول عقاید و کلیات شریعت باهم متفق اند؛ مشکله‌ی اهل سنت و اهل تشیع از خارج آمده که به ناحق گریبان گیر آنان شده و هوشمندان و دانشمندان مسلمان - شیعه و سنی - باید آن را چاره جویی کنند.» (همان، ص ۴).

عوامل تفرقه و نفاق و بسترسازان نفوذ و ورود عوامل خارجی و قدرت‌های سلطه‌گرو استعماری و آتش افروزان جنگ‌های داخلی بین شیعه و سنی، بیش تر گروه‌های افراطی و تندروان غالیان و ناصیبان هردو طرف می باشند که بنابراین، تکلیف و وظیفه‌ی مسلمانان خود به خود مشخص خواهد بود و آن عبارت است از: «برائت شیعه از غلات و برائت اهل سنت از نواصب؛ و همه باید بدانیم که غلو و ناصبی‌گری در اسلام مشروعیتی ندارند.» (محسنی، ۱۳۸۶ الف: ص ۱۰۱).

از این طرح، خود به خود باید چند تا طرح دیگر برای ما و همه‌ی سیاستمداران و زمامداران کشورهای اسلامی از یک طرف و روشنفکران و عالمان مسلمان از طرف دیگر، مشق و مشی

شوند: ۱) کم کردن فشارهای سیاسی و اعطای حقوق کامل مدنی و غیره توسط دولت‌ها به اقلیت‌های مذهبی که قهراً محبت را دربردارد؛ ۲) گرفتن قطعیات و داخل نشدن در مشکوکات و به‌زور جدانکردن مسلمانان از همدیگر؛ ۳) ما باید به رهبران مذهبی دیگران تعرض نکنیم. در روان‌شناسی می‌گویند تأثیر فرد بیش‌تر از اصل است. اختلاف علمی، اختلاف در اصل است که منشأ نزاع و خون‌ریزی نمی‌شود؛ ولی اختلاف در مورد اشخاص، اختلاف در فرد است و تشنج‌زا؛ بنابراین، باید در این مورد بسیار دقیق و محتاط بود و از تحقیر و توهین ارباب مذاهب جداً جلوگیری کرد. ۴) اختلاف در اسلام مشروعیت دارد و همه‌ی دانشمندان آن را به‌عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار تلقی می‌نمایند؛ ولی افراد شرور آن را جنجال‌برانگیز معرفی می‌کنند که لازم است جلو آنان گرفته شود (همان، صص ۴۸، ۵۴، ۸۰، ۱۰۴ و ۱۱۰).

آیت‌الله محسنی، در شرایط و فضایی طرح‌های تقریبی خویش را طرح و ارائه می‌دهند که به شدت مطمئن و امیدوارند که «این طرح‌ها روی کاغذ» نه «ایده‌آل» محض‌اند و نه روی کاغذ خواهد ماند؛ بلکه جهان اسلام امروز به دلیل هوشیاری به‌وجودآمده به آن عمل خواهد کرد و با این کار هم زخم ناسور جهان اسلام مداوا خواهد شد و هم دشمنان آن ناامید خواهد گشت. لذا او شخصاً از وجود خیلی از اختلافات بین امت و عالمان اسلام نگران نبوده و پاره‌ی بسیاری از آنان را طبیعی دانسته و فقط بر سر تفرقه‌افکنان و نفاق‌اندازان و آتش‌به‌یاران معرکه نهیب می‌زند که آیا این اختلافات طبیعی علمی، ذوقی و بشری باید سبب جنگ و جدایی و عداوت و دشمنی شود؟ از این رو باید گفت:

۱. ما شیعه هستیم؛ با اهل سنت اختلاف داریم و آن‌ها هم با ما اختلاف دارند؛ ولی آیا این اختلاف‌ها باید به بغض و عداوت منجر شود؟ آیا لازم است که جنگ به خاطر این اختلافات ادامه پیدا کند؟ در فقه، اختلاف وجود دارد؛ ولی این‌ها باعث تکفیر نمی‌شود (همان: ص ۲۲).
۲. در تمام علوم انسانی، اختلاف نظر میان دانشمندان وجود دارد. افکار علما مانند همانند ظواهر جسمی‌شان متفاوت است. همین تفاوت‌های فکری، اختلاف‌های علمی را به دنبال می‌آورد و هیچ‌گاه از زندگانی بشر جدا نخواهد شد. اختلاف نظر در مسائل فقهی وجود دارد؛ پس چرا اختلافات شیعه و سنی موجب دشمنی و دوری شود؟ آیا این از وسوسه‌های دشمنان اسلام و کاری احمقانه نیست؟ (همان: ص ۵۳).

مبانی تقریب مذاهب اسلامی در منابع فریقین

اگر ما دیانت و اسلامیت را به عنوان مبدأ و مبنای تقریب مذاهب اسلامی و ملاک، معیار و مرز کفر و اسلام بدانیم، خوب است که قبل از همه مراد از فرقه‌های اسلامی را در این ارتباط به طور صریح و روشن به دست بیاوریم.

روایات شیعه

یک. عن سفیان بن السمط عن ابی عبدالله، جعفر بن محمد الصادق فی حدیث قال: «الاسلام هو الظاهر الذی علیه الناس، شهادة ان لا اله الا الله و انّ محمداً رسول الله ﷺ و اقام الصلاة و ايتاء الزكاة و حج البيت و صيام شهر رمضان، فهذا الاسلام» (وسائل الشيعة (محسنی)، ۱۳۷۵ الف: صص ۳ و ۵). اسلام همان ظاهری است که مردم برآند: شهادتین، اقامه نماز، گرفتن روزه ماه مبارک رمضان، انجام حج و دادن زکات. همین برای مسلمان بودن کافی است.

دو. عن حمران عن ابی جعفر الباقر فی حدیث الاسلام و الايمان، قال: «و الاسلام ما ظهر من قول او فعل؛ و هو الذی علیه جماعة الناس من الفرق کُلّها و به حقنت الدماء و علیه جرت الموارث و جاز التکاح و اجتمعوا على الصلاة و الزكاة و الصوم و الحج؛ فخرجوا بذلك من الكفر و اضیفوا الى الايمان (معجم الاحادیث المعتمدة) (همان). اسلام آن گونه که از قول و عمل یک مسلمان ظاهر می شود، همان چیزی است که همه فرق اسلامی برآن است و آن عبارت است از نماز، زکات، روزه و حج. کسی به این امور در گفتار و عمل پایبند باشد، از کفر خارج شده و حکم مسلمان بودن بر او جاری است.

روایات اهل سنت

یک. عن ابن عمر عن رسول الله قال: بنی الاسلام علی خمس، شهادة ان لا اله الا الله و انّ محمد رسول الله و اقام الصلاة و ايتاء الزكاة و الحج و صوم رمضان (کتاب الايمان بخاری و مسلم) (همان). این روایت نیز بنیاد اسلام را بر پنج چیز استوار می داند: شهادتین، اقامه نماز، دادن زکات، انجام حج و روزه ماه مبارک رمضان. به همین دلیل است که نووی در حاشیه‌ی کتاب الايمان مسلم تصریح می کند که مذهب اهل سنت هیچ کس از اهل قبله و غیر اهل سنت را تکفیر نمی کند و از ابن حجر در صواعقش برمی آید که فقط منکر ضروری از ضروریات دین اسلام کافر است (همان).

قدر جامع و مشترک اسلام و ایمان را می‌توان قرار ذیل برشمرد:

یک. وجود خدای وحده لا شریک له؛

دو. ملائکه؛

سه. نبوت جمیع انبیای گذشته؛

چهار. کتب منزل گذشته برای انبیاء؛

پنج: رسالت نبی اعظم ما محمد ﷺ؛

شش. قرآن مجید؛

هفت. روز قیامت و آخرت؛

هشت. ما انزل الله برای مسلمین و انبیای سابق (محسنی، ۱۳۸۷، ج ۲: ص ۹۱).

راه‌کارهای علمی و عملی تقریب مذاهب اسلامی

اما چارچوب و راه‌کارهای عملی و استراتژیک رسیدن به یک وحدت پایدار و تفاهم سراسری و همگانی در جهان اسلام و در بین امت چیست؟ این سؤال اساسی و بنیادینی است که در اندیشه‌های سیاسی صلح‌جویانه و وحدت‌طلبانه‌ی منادی و پرچم‌دار آشتی و صلح و وحدت، آیت‌الله محسنی، به‌آسانی و روشنی قابل‌رهیافت و پیگیری است و ما آن را جست‌وجو کرده، فهرست وار تقدیم می‌کنیم و از ذکر و آوردن جزئیات و مسایل ریزتر تقریب‌پرهیزی می‌کنیم.

۱. جلوگیری از حمله به مقدسات یکدیگر: علمای روشنفکر شیعه باید عوام شیعه را به‌طوری از این کار نهی کنند که علمای سنی را به اخلاص نیت خود قانع سازند. به نظر نگارنده، مرجعیت روحانی و علمی و مذهبی ما در عصر حاضر وظیفه دارند به اتفاق آراء حکم به تحریم سب خلفای ثلاثه را صادر کنند تا راه بهانه‌جویی را بگیرند و نگذارند فاصله‌ی شیعه و سنی روزبه‌روز بیش‌تر شود؛ بلکه در تقریب این دو گروه کوشا باشند (محسنی، ۱۳۸۳ الف: ص ۳۷۴). شیعیان نباید به خلفای راشدین بدگویی کنند که یکی از آثار این بدگویی رواج کینه و عداوت بین مسلمانان است و مداخله‌ی بیگانگان. بنده دشنام‌دادن به خلفای راشدین را در این جا برای همه‌ی شیعیان حرام اعلان می‌کنم و در این حکم من تنها نیستم و بسیاری از دانشمندان شیعه آن را قبول دارند (محسنی، ۱۳۸۶ الف: ص ۴۷). همین کار باید

از سوی علمای اهل سنت نیز رعایت شود و سب و دشمنان به مقدسات شیعه و تکفیر پیروان آن را از میان بردارند.

۲. شک‌زدایی و ایجاد اطمینان: من می‌خواهم به برادران سنی خود بگویم خدا شاهد است در کتاب فقه ما از اول فقه تا آخر فقه، لعن بر کسی نیامده است. این حرف‌هایی که می‌گویند شیعه خلفا را لعن می‌کنند، دروغ است. کتاب‌های شیعه معلوم است. آن کتاب‌هایی که فقه شیعه را تشکیل می‌دهند و مردم شیعه را جهت می‌دهند، حلال و حرام‌شان را بیان می‌کند، به نام توضیح المسائل، شما بخرید و از اول تا آخرشان را بخوانید آیا حتی در یکجا هم بی‌احترامی نسبت به خلفا شده است؟ قطعاً نیست. وجود یک روایت، ده روایت در یک مذهب دلیل این نیست که اهل آن به این اعتقاد دارند. خبر واحد از شرایطش این است که سندش صحیح باشد، معارض با قرآن و مخالف با عقل نباشد و با روایات دیگر هم معارض نباشد. این است که یک نویسنده‌ای اگر چیزی می‌نویسد، او از طرف مذهب نیست، او از طرف فرد است، به دهان همان شخص بزنید (فجر امید، ش ۲۳، صص ۱۹ و ۲۱).

لعن در تمام کتب فقهی شیعه، به استثنای کتاب لعانی که داریم، در حق کسی وارد نشده. من ندیدم که لعن از مستحبات شیعه باشد، این شما و این توضیح المسائل‌ها. زیارت عاشورا سند ندارد. ما که نمی‌توانیم چون فلان زیارت مشهور شده و مقدس‌ها می‌خوانند، بیاییم این را جزء آیات قرآن یا احادیث مسلم به شمار بیاوریم. اهل تحقیق می‌گویند که این لعن‌های مذکور در زیارت عاشورا در دوره صفویه زیاد شده. در مصباح صغیر شیخ طوسی وجود ندارد. در کامل‌الزیاراتی که مرحوم امینی آن را تصحیح کرده، وجود ندارد (محسنی، ۱۳۸۶ الف: ص ۸۰). دقت در این امر از اهم وظایف دینی و روشنفکری امروز ماست.

۳. اقدام عملی: نگارنده این موضوع را مفصلاً در کتاب دیگر خود ذکر کرده‌ام و گفته‌ام که بدگویی به خلفای راشدین شرعاً حرام و گوینده‌ی آن مستحق تعزیر و تأدیب است. مسلمانان باید اهل بیت و اصحاب خاتم‌النبیین را احترام کنند (محسنی، ۱۳۷۸: ص ۴۲).

۴. التزامی عملی و مسلمان دانستن یکدیگر بر اساس مبنا: هر کس به خدا و پیغمبر ختمی مرتبت اسلام اقرار کند و ضرورت دین اسلام را مانند وجوب نمازهای پنج‌گانه و روزه‌ی ماه رمضان و زکات و امثال آن را که از احکام مورد اتفاق همه‌ی مسلمانان است، انکار نکند، او در مذهب شیعه مسلمان است؛ خواه به امامت امامان دوازده‌گانه معتقد باشد، مانند شیعه‌ی

امامیه و خواه نباشد، مانند اهل سنت و زیدیه. بنابراین، اعتقاد به امامت، شرط مسلمان بودن نیست؛ بلکه شرط تشیع بودن یا از اصول مذهب است و بس. شیعه اهل سنت را مسلمان و برادران دینی خود می‌داند. براین اساس فروعاً زیرمترتب و ملتزم می‌شود: (۱) بدن اهل سنت پاک است؛ (۲) ذبیحه‌ی اهل سنت حلال است؛ (۳) مال و جان اهل سنت محترم است و ضرر رساندن به آن حرام و موجب ضمان است؛ (۴) تزویج زن شیعه به مرد سنی و تزویج زن سنی به مرد شیعه صحیح است؛ (۵) هرکدام از دو مورد ذکرشده از هم ارث می‌برند؛ (۶) و اگر شیعه‌ی امامی، سنی و یا شیعه‌ی غیر امامی را عمداً بکشد، یک مسلمان را کشته باید بر اساس حقوق اسلامی قصاص شود (محسنی، ۱۳۷۱ ب: صص ۱۵۵ و ۱۵۷؛ همو، ۱۳۸۳ الف: ص ۱۶۷).

ولایت شرط قبولی عمل است و نه شرط صحت عمل. یکی از اشخاصی که می‌گفت شرط قبولی عمل است، مرحوم آیت‌الله بروجردی بود. همین روزه‌ای که ما شیعه‌ها می‌گیریم، آن‌ها هم می‌گیرند. آیا روزه‌ی آنان صحیح است یا باطل؟ هیچ دلیل قوی‌ای تاکنون پیدا نشده است براین‌که عمل مخالفان مذهب ما باطل باشد. در این خصوص، دلیلی در فقه وجود ندارد؛ بلکه از بعضی تعلیلاتی که درباره‌ی عدم اعاده‌ی اعمال مستبصر آمده، استفاده می‌شود که عمل آنان صحیح است. ما نمی‌توانیم کفر را به مذاهب اسلامی نسبت دهیم و فقط بگوییم ما مسلمانیم (محسنی، ۱۳۸۶ الف: صص ۲۲ و ۶۴).

۵. التزام عملی اهل سنت: عین نظری که شیعه به سنیان دارد، مذهب اهل سنت به شیعیان هم همان نظر را دارد؛ چیزی که مانع از حکم به مسلمان بودن به تمام معنای آن باشد، در فقه آنان وجود ندارد. امامت در نظر اهل سنت از جمله‌ی فروع است که معتقد به آن تکفیر نمی‌شود؛ بنابراین، اگر شیعه، خلافت را برای امامان دوازده‌گانه‌ی خود قائل‌اند، به هر حال، معذورند (محسنی، ۱۳۷۱ ب: صص ۱۵۵ و ۱۵۷). مگر نه این است که مخالفت در فروع و فروعاً موجب فسق نمی‌شود تا چه رسد به کفر؟ و حتی مخالفت در فروع منافات با عدالت ندارد (محسنی، ۱۳۷۱ الف: ج ۳، ص ۲۰۱).

نتیجه آن‌که هرکسی پیرو یکی از مذاهب اسلامی باشد، مسلمان است. مذاهب اسلامی عبارتند از چهار مذهب اهل سنت: حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و مذهب جعفری، زیدی، اباضی و ظاهریه. پیروان هر یکی از این مذاهب مسلمان‌اند و تکفیرشان جایز نیست و خون و آبرو

مال‌شان حرمت دارد. همه‌ی این فرقه‌ها اتفاق دارند بر ارکان پنج‌گانه‌ی اسلام، شهادتین، نماز، زکات، روزه و حج بیت الله. اختلاف در مسائل فروع است، نه در مقولات اصول دین. اختلاف در فروع برای امت رحمت است. خداوند پاک فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات / ۱۰). این امر در بیانیه‌ی اجلاس بین‌المللی اسلامی، منعقد در عمان، مورخ ۲۷-۲۹ جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق به خوبی مورد تصریح قرار گرفته است (محسنی، ۱۳۸۵ ج: صص ۱۰ و ۱۴). لذاست که اختلافات فرعی هیچ‌گاه باعث نشده است که بزرگان اسلامی سخنان و نظریات همدیگر را نپذیرند تا چه رسد که همدیگر را تکفیر کنند. عبدالکریم شهرستانی در مقدمه‌ی ملل و نحل می‌گوید اگر ثابت شود که علی گفته، ما قبول می‌کنیم؛ چون پیغمبر گفته است: «علیٌّ مع الحقِّ والحقُّ مع علیٍّ». این قضیه را ابن ابی‌الحدید هم می‌گوید (ر. ک: محسنی، ۱۳۸۶ الف: ص ۷۴).

۶. شکستن حصر مذاهب: از امام ابوحنیفه روایتی نرسیده است که نظریات فقهی و استنباطات اجتهادی او را به زور و جبر بر همه‌ی مسلمانان تطبیق کنند و آنان را از هر نوع نظرو اجتهاد جلوگیری نمایند. این موضوع در نظر دانشمندان عالی‌رتبه‌ی احناف مسلم و محرز است. شیخ شلتوت، رئیس اسبق جامع‌الظاهر در مصر، طی یک فتوای تاریخی خود از جانب اهل سنت، اعلام داشت که مذهب جعفری، همانند سایر مذاهب اهل سنت، شرعی بوده و عمل به آن مبره‌الدّمه‌ی هر مسلمان است. مسلمانان می‌توانند از مذاهب خود به آن مذهب عدول نمایند. اسلام بر هیچ‌کس از پیروان خود واجب نکرده که در احکام عملی از مذهب معین پیروی کند. مذهب جعفری، مشهور به مذهب شیعه‌ی اثنا عشری، از جمله‌ی مذاهبی است که مانند مذاهب اهل سنت، شرعاً می‌توان از آن تقلید کرد و در این باب فرقی میان عبادات و معاملات نیست (محسنی، ۱۳۷۸: صص ۱۵ و ۲۰). لذا اهل سنت در انحصار مذاهب به اربعه و اخذ اقوال علمای اربعه دلیل ندارد، جز تقلید و اقتدا به رویه‌ی پدران‌شان؛ و اگر نه دلیل‌شان چیست؟ و اگر تقلید هم روا باشد، تقلید از اعلم رواست و نه از مطلق گفته‌ها و رفتارهای یک مجتهد (محسنی، ۱۳۷۱ الف: ج ۳، ص ۳۴۲)؛ از این رو، در این موارد بهتر به دیدگاه اعلم عمل کرد و دیدگاه اعلم نیز همان است که در فوق آمد.

۷. صحت عمل هر مسلمان: بالاخره، شیعه‌ی امامیه ضمن اعتقاد به صحت مذهب خود، سنیان را به تمام معنا مسلمان دانسته و احکام اسلام را بر آنان جاری می‌داند. هر کس از

مغرضین و مزدوران اجنبی، غیراین را به آنان نسبت بدهد، دروغ است و کتب فقهی ما گواه صادق براین ادعاست (محسنی، ۱۳۷۱ ب: صص ۱۵۵ و ۱۵۷؛ همو، ۱۳۸۳ الف: صص ۱۶۷). او صراحتاً اعلام می‌دارد که من همراه با مشهور امامیه، صحیح می‌دانم اسلام سایر مذاهب اسلامی و اسلام هرکسی را که معتقد به خدای تعالی و وحدانیت و قدم آن باشد و غیر خدا را نپرستد و به نبوت محمد بن عبدالله و روز قیامت ایمان داشته باشد و ضروری از ضروریات دین را انکار نکند تا تکذیب پیغمبر لازم بیاید؛ از این رو، تکفیر مخالفین به هیچ‌وجه جایز نیست؛ زیرا «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (محسنی، ۱۳۸۰: صص ۹۵).

۸. مؤمن و برادر ایمانی دانستن یکدیگر: ایذا و رنجانیدن مؤمن حرام است وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ (احزاب، ۵۹). رئیس مذهب شیعه نیز در حدیث قدسی معتبر از خداوند روایت می‌کند که فرمان جنگ با من داده است کسی که بنده‌ی مؤمن مرا اذیت نماید: (لیأذن بحرب منی من آذى عبدی المؤمن). مراد از مؤمن در آیه، ولوبه حکم اصالت الاطلاق، مطلق کسی است که حکم به اسلام و ایمان آن شده است (من حکم باسلامه) اگر چند امامی نباشد، به دلیل این‌که این فهم، معهود و متعارف است از لفظ «مؤمن در زمان وحی». بنابراین، آنچه را که جمعی از اعظم گفته‌اند در جهت تخصیص آیه به وسیله‌ی روایت، حجت علیه اطلاق کتاب عزیز شده نمی‌تواند به علت عدم تنافی بین آیه و روایت (محسنی، ۱۳۸۷، ج ۱: صص ۳۴ و ۱۶۰).

«ولا تقولوا لمن القى اليكم السلام كُنت مُؤمناً»؛ آیه دلالت می‌کند بر منع تکفیر هرکسی که به اسلام اظهار کند ولو با گفتن سلام مسلمانی؛ بلکه حتی اظهار اسلامیت هر فردی قابل قبول است و باطن امر آن به خداوند تعالی واگذار می‌شود (همان).

تمام آیات قرآن مجید: «يا ايها الذين آمنوا...»؛ «قد افلح المؤمنون» و... تمام مذاهب اسلامی را شامل می‌شود. خطاب‌های «يا ايها الذين آمنوا» نه مخصوص شیعه است و نه مخصوص سنی، در قرآن به همه‌ی مسلمانان خطاب شده است و ایمان به خدا و پیامبر مورد نظر است و همه‌ی مذاهب اسلامی را شامل می‌شود؛ بنابراین، همه به یک اندازه مؤمن هستند (محسنی، ۱۳۸۶ الف: صص ۲۴ و ۶۴).

۹. اعتمادسازی و اطمینان از مشترکات: نزد اهل سنت، قرآن کریم از زیادت و نقصان سالم است و معانی آن بر وفق قواعد لغت عربی فهمیده می‌شود. قرآن کلام خداست؛ همه‌ی آن حق است و مصدر اول برای عقاید مسلمانان و معاملات‌شان. این موضوع مقبول شیعه هم

است؛ به اضافه‌ی این‌که قرآن را مصدر اول معاملات و عبادات و اخلاق و همه‌ی امور زندگانی خود می‌دانند. فقط اختلاف نظر در یک کلمه است که ما می‌گوییم قرآن حادث است. درباره‌ی عدم زیادتی در قرآن مجید به حمدالله هیچ اختلافی بین شیعه و سنی وجود ندارد. درباره‌ی کم شدن پاره‌ای از آیات قرآن، نظر مشهور علمای امامیه نیز منفی است و معتقدند قرآن مجید سالم باقی مانده است: «نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون».

روایات باب تحریف قرآن کریم در کتب شیعه و سنی اگر وارد شده‌اند، همه ضعیف‌اند و مورد اعتبار و اعتنای دانشمندان بزرگ قرار نگرفته است و همه بالاتفاق بر سلامت قرآن از نقیصه تأکید کرده‌اند. به هر حال، وقتی صیانت قرآن از زیاده، اجماعی باشد و نقیصه‌ی آن مورد انکار مشهور دانشمندان طرفین باشد، چرا بدون مورد جار و جنجال به راه انداخته و بهانه‌ای به دست کفار بدهیم؟ به نحوی محسوس ثابت می‌شود که قرآن شیعه و سنی یک ذره اختلافی ندارد و قرآن همه‌ی مسلمین یک قرآن است که معجزه‌ی خالده‌ی حضرت پیامبر ختمی مرتبت است (محسنی، ۱۳۷۳ الف: صص ۱۰، ۱۳ و ۵۶). این از مواردی است که نیاز به تفلسف و تحلیلات فلسفی و ذهنی نیست. می‌توانیم با مراجعه به تک‌تک مساجد و خانه‌های مسلمانان صحت و سقم آن را دریافت کنیم.

۱۰. ایجاد تقریب مفهومی و علمی: اگر معنای تسنن و سنی‌گری متابعت سنت پیغمبر باشد، پس به یقین باید گفت که تمام شیعه سنی است و کسی که پیرو سنت آن حضرت نباشد، کافر است و اگر معنای تشیع محبت ائمه‌ی عترت و پیروی آن‌ها باشد، باید تمام سنی‌ها شیعه باشند؛ زیرا محبت علی و اولاد علی بر همه لازم است و جمعی از علمای اهل سنت بر وجوب آن ادعای اجماع کرده‌اند. پس شیعه سنی است و سنی شیعه و سخن از اختلاف بی‌معنا است (محسنی، ۱۳۸۸: ص ۱۰۲).

آیت‌الله محسنی تصریح می‌کند که با تدوین کتاب «فوائد دین در زندگانی» متوجه این قضیه می‌شود که از نظر مفهومی و علمی چقدر بین روایات شیعه و سنی نزدیکی و حتی اتحاد وجود دارد. تمام گفته‌ها و روایات اهل بیت از پدران شان و از رسول خدا گرفته شده‌اند. از همین جهت است که ایشان همواره بر لزوم تدوین فقه مقارن و حدیث مقارن، تأکید می‌کردند و آن را پایه‌ی اساسی اتحاد نظر شیعه و سنی می‌دانستند (محسنی، ۱۳۸۶ الف: ص ۴۶).

مکانیزم‌های اجرایی تحقق تقریب مذاهب اسلامی

در راستای تحقق ایده‌های تقریب و وحدت مذاهب اسلامی، آیت‌الله محسنی کلان‌طرح‌های سیاسی و گام‌های عملی را در جهان اسلام پیشنهاد می‌کند که می‌تواند برای تحقق و عملیاتی شدن هرچه بهتر تقریب و وحدت اسلامی مؤثر واقع شود. موارد زیر از جمله کلان‌طرح‌هایی‌اند که می‌توان در جهت عملی شدن تقریب روی دست گرفت. او معتقد است که تقریب مذاهب اسلامی باید گامی باشد در راستای تحقق این اصل اصیل اسلامی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون / ۵۲) به عنوان بنیاد وحدت اسلامی. در راستای تحقق این امر، وحدت اسلامی، مردم‌سالاری اسلامی، امت اسلامی، جهان‌شمولی اسلامی، آزادی و عدالت اجتماعی و حقوق و دیدگاه‌های اسلامی، باید جایگزین گفتمان سیاست خارجی دولت‌هایی شود که ادعای هویت اسلامی را دارند و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی خود را گرامی می‌شمارند (محسنی، ۱۳۸۲ الف: صص ۱۰۳ و ۱۰۹). رسیدن به اهداف فوق میسر نخواهد شد مگر با انجام امور زیر:

۱. آگاهی‌بخشی به مسلمانان؛

۲. مبارزه علیه ناسیونالیسم، نژادپرستی، وطن‌گرایی، قوم‌گرایی و تثبیت اینترنت‌ناسیونالیزم

اسلامی؛

۳. اسلامی‌سازی حکومت‌های موجود در کشورهای اسلامی؛

۴. حکومت واحد جهانی اسلامی و تأسیس جماهیر متحد اسلامی؛

۵. اشتراک ثروت‌های سرزمین‌های اسلامی به همه مسلمانان جهان و تقسیم عادلانه آن در

میان همه آنان (محسنی، ۱۳۷۱ ب: صص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ ۱۳۷۲ الف: صص ۶۶؛ ۱۳۸۶ الف: صص ۳۴).

نتیجه‌گیری

وضعیت نابسامان و انسان‌سوز آنومیک حاکم بر جهان اسلام مهم‌ترین مسئله‌ای است که ذهن دغدغه‌مند هر انسان آگاه را به خود مشغول داشته است. پیامدهای فردی و اجتماعی این امر به فراسوی مرزهای کشورهای اسلامی کشانیده شده است. بدون شک، این پدیده مخاطراتی را متوجه جامعه بشری کرده است. ناامنی، فقر و بیکاری، فرار مغزها، مهاجرت‌های بی‌رویه، به خطر افتادن امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و مهم‌تر از همه دین‌گریزی و اسلام‌هراسی و بعضاً

توهین به مقدسات اسلامی را باید پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم اوضاع نابسامان حاکم بر جهان اسلام دانست؛ از این رو، علاج این مرض نیازمند به مداوای فوری است. در این تحقیق تلاش شد که راه‌کارهای تحقق تقریب مذاهب اسلامی از منظر آیت‌الله محسنی به‌عنوان پرچمدار نظری و عملی تقریب به بحث و بررسی گرفته شود.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که از منظر ایشان، تقریب مذاهب اسلامی، رویکردی است مبتنی بر تعامل میان مذاهب اسلامی، با تکیه بر مشترکات دینی، در عین پابندی به مبانی مذهبی به‌منظور همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام به دیدگاه‌های همدیگر. اسلامیت و دیانت را باید به‌عنوان ریشه، مبدأ و مبنای تقریب مذاهب به‌شمار آورد. جلوگیری از حمله به مقدسات یکدیگر، شک‌زدایی و اطمینان‌بخشی به همدیگر و شکستن حصر مذاهب از جمله راه‌کارهای علمی و التزام‌های عملی تقریب مذاهب اسلامی به‌شمار می‌روند که برای عملیاتی شدن نیازمند مکانیزم‌های اجرایی چون مبارزه علیه ناسیونالیسم و قوم‌گرایی از سویی و ایجاد حکومت واحد جهانی اسلامی و تأسیس جماهیر متحد اسلامی از سوی دیگر است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. «فجر امید»، ارگان نشراتی حرکت اسلامی.
۳. محسنی، محمدآصف (۱۳۶۳ الف)، کتاب القضاء والشهادة، قم، مطبعه سید الشهداء.
۴. _____ (۱۳۶۳ ب)، توضیح مسائل جنگی، مشهد، دفتر فرهنگی حرکت اسلامی.
۵. _____ (۱۳۶۵)، روش جدید اخلاق اسلامی، قم، قبادی، چاپ اول.
۶. _____ (۱۳۶۷)، حلّ ۶۶ سؤال دینی، قم، دفتر فرهنگی حرکت اسلامی.
۷. _____ (۱۳۷۰)، توحید اسلامی، قم، دفتر فرهنگی حرکت اسلامی.
۸. _____ (۱۳۷۱ الف)، صراط الحق فی معارف الاسلامیة والاصول الاعتقادیة، ج ۱-۳، مشهد، انتشارات ولایت.
۹. _____ (۱۳۷۱ ب)، تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان، قم، دفتر فرهنگی حرکت اسلامی، چاپ دوم.
۱۰. _____ (۱۳۷۲ الف)، نظریات سیاسی، علمی، اخلاقی و اجتماعی، قم، دفتر فرهنگی حرکت اسلامی، چاپ دوم.
۱۱. _____ (۱۳۷۲ ب)، تسنیم، مشهد، انتشارات ولایت.
۱۲. _____ (۱۳۷۳ الف)، همبستگی اسلامی و دشمنان آن، کابل، حرکت اسلامی.
۱۳. _____ (۱۳۷۳ ب)، متافیزیک از نظر ریالیزم، مشهد، انتشارات ولایت، چاپ دوم.
۱۴. _____ (۱۳۷۴ الف)، وظایف اعضای بدن، پاکستان، پیشاور، نشرات اسلامی صبور، چاپ اول.
۱۵. _____ (۱۳۷۴ ب)، نظم مفید، نظر اصلاحی بر حوزه‌های علمی، بی‌جا، بی‌نا، چاپ دوم.
۱۶. _____ (۱۳۷۵ ج)، مسائل کابل، بی‌جا، انتشارات واقفی، چاپ دوم.
۱۷. _____ (۱۳۷۵ الف)، عدالة الصحابة، ضمیمه بحوث فی علم الرجال، مشهد، انتشارات ولایت (جعفری)، چاپ سوم.
۱۸. _____ (۱۳۷۵ ب)، توضیح مسائل طبّی، مشهد، انتشارات رضوی، چاپ اول.
۱۹. _____ (۱۳۷۶)، روح از نظر دین و عقل و علم روحی جدید، قم، چاپ مهر، چاپ

اول.

۲۰. _____ (الف ۱۳۷۷)، گوناگون، جلد ۲، قم، محمد.
۲۱. _____ (ب ۱۳۷۷)، دفاع و حرکت، بی جا، چاپ اندیشه.
۲۲. _____ (ج ۱۳۷۷)، الارض فی الفقه، قم، محمد، چاپ اول.
۲۳. _____ (۱۳۷۸)، خواست های شیعیان افغانستان، قم، دارالانشای حرکت اسلامی،

چاپ دوم.

۲۴. _____ (۱۳۷۹)، وحدت الأمة الاسلامیة، قم، طاووس بهشت، چاپ اول.
۲۵. _____ (۱۳۸۰)، مشرعة بحار الانوار، ج ۱-۲، قم، مکتبه عزیزی.
۲۶. _____ (۱۳۸۱)، شیعه و سنی چه فرقی دارند؟ (جنگ در تاریکی)، کابل، مرکز

الابحاث العقائدية، چاپ سوم.

۲۷. _____ (الف ۱۳۸۲)، جهانی شدن و جهانی سازی، کابل، مطبعه ی بلخ.
۲۸. _____ (ب ۱۳۸۲)، تصویب قانون اساسی در لویه جرگه، کابل، بی نا.
۲۹. _____ (الف ۱۳۸۳)، حجت اثنی عشر، بی جا، بی نا.
۳۰. _____ (ب ۱۳۸۳)، مهدی موعود، کابل، انتشارات حوزه ی خاتم النبیین.
۳۱. _____ (الف ۱۳۸۴)، تفسیر سوره شمس، کابل، مطبعه ی بلخ.
۳۲. _____ (ب ۱۳۸۴)، فوائد دمشقیه، کابل، انتشارات حوزه ی خاتم النبیین، چاپ دوم.
۳۳. _____ (الف ۱۳۸۵)، الفقه و المسائل الطیبة، قم، یاران، چاپ اول.
۳۴. _____ (ب ۱۳۸۵)، مباحث علمی دینی، کابل، خاتم النبیین.
۳۵. _____ (ج ۱۳۸۵)، تحقق اتحاد اسلامی، کابل، مطبعه ی بلخ.
۳۶. _____ (الف ۱۳۸۶)، تقریب مذاهب از نظر تا عمل، قم، نشر ادیان، چاپ اول.
۳۷. _____ (ب ۱۳۸۶)، دین و زندگانی، کابل، مطبعه ی بلخ.
۳۸. _____ (۱۳۸۷)، حدود الشریعة فی محرماتها و واجباتها، ج ۱-۴، قم، بوستان کتاب.
۳۹. _____ (۱۳۸۸)، فوائد دین در زندگانی، کابل، مطبعه ی بلخ.
۴۰. _____ (۱۳۸۹)، دین و اقتصاد، کابل، مطبعه ی بلخ.
۴۱. _____ (۱۴۰۱ هـ ق)، روابط انسان، تهران، شعبه ی فرهنگی حرکت اسلامی.